

## کاربرد نشانه‌شناسی در تحلیل شعر شمس لنگرودی: بررسی استعاره‌های اجتماعی و تاریخی در بازنمایی بحران‌های هویتی

فاطمه زهرا موسوی<sup>۱</sup>، جواد صالحی<sup>۲\*</sup>

۱. دانشکده نقد و نظریه ادبی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

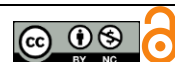
۲. دانشکده نقد و نظریه ادبی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

\* ایمیل نویسنده مسئول: salehijavaddr@atu.ac.ir

### چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل نشانه‌شناختی اشعار شمس لنگرودی و بررسی نحوه بازنمایی بحران‌های هویتی در آن‌ها انجام گرفته است. شمس لنگرودی، با بهره‌گیری از استعاره‌ها و نشانه‌های اجتماعی و تاریخی، به عنوان ابزاری برای بازتاب واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی جامعه‌ی ایران، بحران‌های هویتی را در اشعار خود به تصویر می‌کشد. این پژوهش با استفاده از چارچوب‌های نظری نشانه‌شناختی، از جمله نظریات رولان بارت، چارلز پیرس و ژاک لاکان، به بررسی استعاره‌هایی نظیر «خاک»، «خانه»، «شمشیر» و «آسمان» می‌پردازد که در اشعار او معانی عمیقی از هویت فردی و جمعی را بازنمایی می‌کنند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که لنگرودی با بهره‌گیری از این نمادها و استعاره‌ها، تعارض‌ها و تناقض‌های درونی جامعه‌ی معاصر ایران و تجربه‌های زیسته‌ی جامعه را به نمایش می‌گذارد. استعاره‌های او نشان‌دهنده بحران‌های هویتی و فرهنگی‌اند که از تغییرات سریع اجتماعی و تحولات تاریخی نشأت گرفته و هویت جامعه‌ی ایرانی را تحت تأثیر قرار داده‌اند. به علاوه، این پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد نشانه‌شناسی در تحلیل اشعار لنگرودی، به درک لایه‌های پنهان معنایی و فهم عمیق‌تر بحران‌های هویتی و اجتماعی جامعه‌ی معاصر کمک شایانی می‌کند. این مقاله همچنین به مقایسه‌ی نتایج با پژوهش‌های پیشین می‌پردازد و پیشنهادهای برای مطالعات آتی در زمینه تحلیل نشانه‌شناسی در ادبیات معاصر ارائه می‌دهد.

**کلیدواژه‌گان:** شمس لنگرودی، نشانه‌شناسی، بحران هویتی، استعاره‌های اجتماعی، استعاره‌های تاریخی، تحلیل نشانه‌شناختی، ادبیات معاصر ایران.



شیوه‌نامه‌ی انتشار: موسوی، فاطمه زهرا، و صالحی، جواد. (۱۴۰۳). کاربرد نشانه‌شناسی در تحلیل شعر شمس لنگرودی: بررسی استعاره‌های اجتماعی و تاریخی در بازنمایی بحران‌های هویتی. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۲۲(۲)، ۱-۱۲.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۲ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۱ تیر ۱۴۰۳

## The Treasury of Persian Language and Literature

### **Application of Semiotics in Analyzing Shamloo Langaroudi's Poetry: Examining Social and Historical Metaphors in Representing Identity Crises**

Fatemeh Zahra Mousavi<sup>1</sup>, Javad Salehi<sup>2\*</sup>

1. Department of Literary Criticism and Theory, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

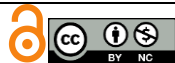
2. Department of Literary Criticism and Theory, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

\*Corresponding Author's Email: salehijavaddr@atu.ac.ir

#### **Abstract**

This study aims to conduct a semiotic analysis of the poetry of Shams Langroudi, examining how identity crises are represented through social and historical metaphors and symbols. Shams Langroudi, by employing these elements as tools to reflect social, cultural, and historical realities, conveys collective and individual identity crises within Iranian society. Using semiotic theoretical frameworks, including the theories of Roland Barthes, Charles Peirce, and Jacques Lacan, this research explores metaphors such as "soil," "home," "sword," and "sky" in Langroudi's poems, which encapsulate profound meanings related to collective and individual identities. Findings reveal that Langroudi, through these metaphors, effectively represents societal contradictions and complexities, illustrating the struggles associated with the rapid social changes and historical transformations impacting Iranian identity. Furthermore, this study underscores the efficacy of a semiotic approach in unveiling hidden meanings within Langroudi's poetry, offering a deeper understanding of identity crises and societal challenges in contemporary Iran. The article also compares these findings with previous studies and suggests avenues for future research on semiotic analysis in modern Persian literature.

**Keywords:** *Shams Langroudi, semiotics, identity crisis, social metaphors, historical metaphors, semiotic analysis, contemporary Persian literature*



**How to cite:** Mousavi, Fatemeh Zahra., & Salehi, J. (2024). Application of Semiotics in Analyzing Shamloo Langaroudi's Poetry: Examining Social and Historical Metaphors in Representing Identity Crises. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 2(2), 1-12.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 10 April 2024

Revise Date: 15 May 2024

Accept Date: 2 June 2024

Publish Date: 1 July 2024

بحران‌های هویتی و فرهنگی را با زبان شاعرانه‌اش به تصویر بکشد (2).

استعاره‌ها و نشانه‌های اجتماعی و تاریخی که در شعر شمس لنگرودی به چشم می‌خورند، عناصر کلیدی برای فهم بحران‌های هویتی هستند. استعاره‌های اجتماعی در اینجا به تعبیر و نمادهایی اطلاق می‌شود که به مفاهیم جامعه‌شناختی و فرهنگی اشاره دارند و از آن‌ها به‌عنوان وسیله‌ای برای بازنمایی تجارب اجتماعی بهره گرفته می‌شود. به همین صورت، استعاره‌های تاریخی به نشانه‌ها و تصاویری اشاره دارد که زمینه‌های تاریخی خاصی را منعکس می‌کنند و از این طریق بحران‌های هویتی را که در بافت‌های زمانی خاص شکل گرفته‌اند، به مخاطب منتقل می‌کنند. لنگرودی با بهره‌گیری از این دو نوع استعاره، توانسته است شعر خود را به رسانه‌ای برای بیان اعتراض‌ها و بازتاب دردهای جمعی تبدیل کند که نمایانگر وضعیت‌های پیچیده و ناهمگون هویتی در جامعه معاصر ایران است. در واقع، این اشعار بیانگر بحران‌های هویتی هستند که از طریق تناقض‌های درونی جامعه و بحران‌های تاریخی شکل گرفته‌اند (3).

اهمیت بررسی نشانه‌شناسی در شعر شمس لنگرودی به توانایی آن در روشن کردن ساختارهای معنایی پنهان و نهفته‌ای باز می‌گردد که درک سنتی از شعر را به چالش می‌کشد. در بسیاری از موارد، معانی عمیق و چندلایه‌ای که در شعر لنگرودی نهفته است، تنها با ابزارهای نشانه‌شناختی و تحلیل‌های دقیق استعاره‌ها آشکار می‌شود. شعر او نه تنها بازتاب‌دهنده دغدغه‌های فردی است، بلکه بازتابی از بحران‌های جمعی و اجتماعی نیز محسوب می‌شود که نیازمند تفسیر و فهمی چندوجهی است. به این ترتیب، تحلیل نشانه‌شناسی به ما امکان می‌دهد تا پیچیدگی‌های معنایی موجود در شعر او را کشف کرده و ابعاد مختلفی از بحران‌های هویتی و اجتماعی را شناسایی کنیم. از این منظر، تحلیل نشانه‌ها در شعر لنگرودی به منزله ابزاری برای کشف حقیقت‌های پنهان و معانی

شعر معاصر فارسی، به‌ویژه آثار شاعرانی که به بازنمایی مسائل اجتماعی و فرهنگی می‌پردازند، بازتابی از واقعیت‌های اجتماعی، روان‌شناختی و تاریخی جامعه ایران است. یکی از چهره‌های برجسته در این زمینه، شمس لنگرودی است که آثار او اغلب حاوی لایه‌های پیچیده‌ای از معانی و مفاهیم گوناگون است که با استفاده از ابزارهای بلاغی و نشانه‌شناختی شکل گرفته‌اند. از این رو، تحلیل نشانه‌شناختی شعر او به‌عنوان روشی علمی و کارآمد می‌تواند به کشف معانی عمیق‌تری در سطح متنی و فرامتنی کمک کند. این رویکرد امکان می‌دهد که نقش و جایگاه استعاره‌ها، نشانه‌ها و دلالت‌های اجتماعی و تاریخی در شعر او به‌دقت تحلیل شود. شمس لنگرودی با استفاده از این عناصر ادبی، توانسته است مفاهیمی چون بحران‌های هویتی، تجربه‌های فردی و اجتماعی، و نیز چالش‌های تاریخی جامعه را به‌نحوی بازنمایی کند که نه تنها مخاطب امروز بلکه آیندگان نیز به‌راحتی بتوانند پیام‌های اصلی و جانبی شعر او را دریافت کنند (1).

نشانه‌شناسی به‌عنوان شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی و مطالعات فرهنگی، ابزارهای تحلیلی منحصربه‌فردی را فراهم می‌آورد که از طریق آن می‌توان به ساختارهای نشانه‌ای در شعر معاصر پی برد. در واقع، نشانه‌شناسی در پی کشف ارتباطات پنهان و نظام‌های معنایی است که در زیر سطح واژه‌ها و تصاویر قرار دارند. این علم به ما کمک می‌کند تا دلالت‌های ضمنی و پیچیده‌ی استعاره‌ها را درک کنیم و از این طریق به تفسیر عمیق‌تر اشعار شمس لنگرودی بپردازیم. در شعر او، استعاره‌ها و نشانه‌ها تنها به‌عنوان ابزارهای بیانی ظاهر نمی‌شوند، بلکه به‌عنوان رسانه‌ای جهت بازتاب بحران‌های هویتی، به‌ویژه در بافت‌های اجتماعی و تاریخی جامعه ایران، به کار گرفته می‌شوند. بر اساس تحلیل‌های موجود، شمس لنگرودی با به‌کارگیری نشانه‌های خاص اجتماعی و تاریخی، تلاش دارد تا هم به تضادهای درونی جامعه اشاره کند و هم

می‌شود. در این روش‌شناسی، از چارچوب‌های نظری نشانه‌شناختی بهره گرفته شده است تا فرآیند شکل‌گیری و دلالت‌های نشانه‌ها و استعاره‌ها در بازنمایی بحران‌های هویتی به‌طور دقیق بررسی شود. نشانه‌شناسی به‌عنوان رویکردی که معانی اجتماعی و فرهنگی را از دل متن استخراج می‌کند، در این تحقیق به‌گونه‌ای به کار گرفته شده است که بتواند جنبه‌های پنهان و چندلایه شعر شمس لنگرودی را با تأکید بر ابعاد هویتی و اجتماعی آن آشکار سازد.

برای تحلیل نشانه‌شناختی اشعار، نخست نمونه‌هایی از اشعار لنگرودی انتخاب شد که در آن‌ها به وضوح از استعاره‌های مرتبط با هویت، اجتماع و تاریخ استفاده شده است. این نمونه‌ها بر اساس معیارهایی نظیر تکرار، تناسب با مفهوم بحران هویتی و تأثیرگذاری در متن برگزیده شدند. سپس با توجه به چارچوب‌های نظری نشانه‌شناسی، نشانه‌ها و استعاره‌ها تحلیل گردیدند. در اینجا از مدل‌های تحلیل نشانه‌شناسی نظیر مدل‌های بارت و پیرس استفاده شد که امکان بررسی چندلایه و دلالت‌های مختلف را فراهم می‌کند. همچنین، روش نشانه‌شناختی تحلیلی لاکان که به تحلیل نشانه‌ها و استعاره‌های روان‌شناختی در ارتباط با بحران‌های هویتی می‌پردازد، برای دستیابی به درک عمیق‌تر از لایه‌های معنایی اشعار به کار گرفته شد.

فرآیند تحلیل نشانه‌شناسی شامل چند مرحله بود. در گام نخست، هر یک از استعاره‌های موجود در اشعار به صورت منفرد بررسی شد و معانی اولیه و دلالت‌های آشکار آن‌ها مشخص گردید. سپس با تحلیل این دلالت‌ها و بررسی بافت اجتماعی و تاریخی که در متن شعر گنجانده شده است، دلالت‌های پنهان و ضمنی نیز استخراج گردید. این مرحله از تحلیل، مبتنی بر فرآیند "دلالت‌پژوهی" است که از طریق آن نشانه‌ها و استعاره‌ها به‌گونه‌ای تحلیل می‌شوند که معانی ثانویه و باطنی آن‌ها نیز آشکار گردد. در نهایت، از تحلیل‌های حاصله نتیجه‌گیری شد که چگونه

عمیق‌تر است که تنها با این روش تحلیل می‌توان به آن‌ها دست یافت (4).

در همین راستا، سوالات اصلی تحقیق عبارتند از: چگونه شمس لنگرودی از نشانه‌ها و استعاره‌های اجتماعی و تاریخی در شعر خود برای بازنمایی بحران‌های هویتی استفاده کرده است؟ استعاره‌های اجتماعی و تاریخی در شعر او چه نقشی در تفسیر و تحلیل بحران‌های هویتی جامعه ایفا می‌کنند؟ و همچنین، چگونه می‌توان به کمک رویکرد نشانه‌شناختی، به تفسیر بهتر و عمیق‌تری از این استعاره‌ها دست یافت؟ هدف از این تحقیق، بررسی و تحلیل عمیق نشانه‌ها و استعاره‌هایی است که شمس لنگرودی در شعر خود به کار برده است تا از این طریق به شناخت جامع‌تری از بحران‌های هویتی و فرهنگی در جامعه معاصر دست یابیم. با این رویکرد، می‌توان به درکی جامع‌تر از نقش و اهمیت شعر او در بازنمایی هویت فرهنگی و اجتماعی ایران دست یافت و نحوه‌ی ارتباط او با مسائل اساسی جامعه را آشکار ساخت (5).

در نهایت، این پژوهش بر آن است تا نشان دهد که شعر شمس لنگرودی، تنها یک ابزار هنری نیست، بلکه ابزاری برای بازتاب و بازنمایی بحران‌های هویتی جامعه معاصر ایران نیز محسوب می‌شود. با توجه به پیچیدگی‌های موجود در ساختارهای معنایی و زبانی شعر او، تحلیل نشانه‌شناختی به‌عنوان رویکردی کارآمد و دقیق انتخاب شده است تا بتواند لایه‌های پنهان و دلالت‌های گوناگون موجود در این اشعار را آشکار سازد. بررسی استعاره‌های اجتماعی و تاریخی در شعر او، هم به دلیل غنای مفهومی و هم به دلیل ارتباط عمیق آن با مسائل روزمره و هویتی جامعه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

#### روش‌شناسی

این پژوهش به‌صورت کیفی و بر اساس تحلیل نشانه‌شناختی انجام گرفته است که به‌منظور بررسی استعاره‌های اجتماعی و تاریخی در شعر شمس لنگرودی و بازنمایی بحران‌های هویتی به کار گرفته

شمس لنگرودی از استعاره‌ها و نشانه‌های اجتماعی و تاریخی برای بیان بحران‌های هویتی استفاده کرده است.

### مبانی نظری

پژوهش حاضر بر مبنای نظریه‌های نشانه‌شناسی و تحلیل‌های پساساختارستی شکل گرفته است که امکان فهم دقیق‌تری از ساختار معنایی شعر شمس لنگرودی و کاربرد استعاره‌ها در بازنمایی بحران‌های هویتی را فراهم می‌کند. نشانه‌شناسی به‌عنوان شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی که به تحلیل ساختارهای دلالتی و معنایی نشانه‌ها می‌پردازد، به‌ویژه در شعر معاصر، یکی از ابزارهای کارآمد برای کشف لایه‌های پنهان معنایی محسوب می‌شود. نظریات رولان بارت به‌ویژه در زمینه ساختارهای دلالتی چندلایه و اهمیت نقش نشانه‌ها در بیان معانی پیچیده و درهم‌تنیده، از جمله مباحث کلیدی است که در این چارچوب مورد توجه قرار می‌گیرد. بارت با معرفی مفاهیمی چون دلالت‌های اولیه و ثانویه نشان داد که نشانه‌ها به‌طور همزمان حامل معنای ظاهری و معنای ضمنی و پنهان هستند، و این امر در شعر شمس لنگرودی به‌ویژه در استفاده از استعاره‌های اجتماعی و تاریخی، به روشنی مشاهده می‌شود (1). در تحلیل نشانه‌شناسی، یکی از چارچوب‌های مهم برای درک معانی چندلایه و پیچیده، مدل نشانه‌شناختی چارلز پیرس است که مفهوم مثلث نشانه را معرفی کرد. بر اساس این مدل، هر نشانه از سه بخش تشکیل می‌شود: نمود، شیء و تفسیرگر. در واقع، پیرس بر این باور بود که هیچ نشانه‌ای به خودی خود معنی ندارد، بلکه تنها زمانی معنا دار می‌شود که فرد آن را تفسیر کند و این تفسیر نیز می‌تواند بر اساس بافت اجتماعی و فرهنگی تغییر یابد. در مورد شعر شمس لنگرودی، نمودهای نشانه‌ای بسیاری وجود دارد که به بحران‌های هویتی اشاره می‌کنند و از طریق شیء یا محتوای مرتبط با زمینه‌های تاریخی و اجتماعی، به تفسیرهای مختلفی دلالت می‌یابند. این رویکرد به ما کمک می‌کند که لایه‌های مختلف معنایی

شعر او را که در ارتباط با بحران‌های هویتی جامعه و تاریخ معاصر شکل گرفته‌اند، به‌درستی تحلیل کنیم (2).

نظریات پساساختارستی در نشانه‌شناسی، به‌ویژه نظریه‌های ژاک لاکان در زمینه روانکاوی و تحلیل نشانه‌ها نیز نقش مهمی در چارچوب نظری این پژوهش ایفا می‌کنند. لاکان با تأکید بر مفهوم «امر واقعی» و تأثیر آن بر شکل‌گیری هویت فردی و جمعی، به تحلیل بحران‌های هویتی و نقش استعاره‌ها در بیان این بحران‌ها پرداخته است. به‌طور مشخص، در شعر شمس لنگرودی، استعاره‌ها به‌عنوان ابزارهایی برای بیان بحران‌های هویتی و تضادهای درونی فرد و جامعه به کار می‌روند. از منظر لاکان، استعاره‌ها به‌عنوان ابزارهای ناخودآگاه، به بازنمایی تجربیات عاطفی و روانی می‌پردازند و در نتیجه، بحران‌های هویتی که در این شعرها بازنمایی شده‌اند، به مثابه تجربه‌های سرکوب‌شده‌ای از امر واقعی ظاهر می‌شوند. این تجربیات از طریق استعاره‌ها و نشانه‌ها به سطح زبان و فرهنگ منتقل می‌شوند و در نهایت به یکی از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده هویت فرد و جامعه تبدیل می‌شوند (4).

مفهوم بحران هویتی در ادبیات نشانه‌شناسی و تحلیل‌های فرهنگی، به تجربه‌ای اشاره دارد که در آن فرد یا جامعه به دلیل تلاقی تناقضات فرهنگی، اجتماعی و تاریخی، به نوعی از سردرگمی و گسست هویتی دچار می‌شود. در ادبیات معاصر ایران، این بحران‌ها به دلیل تغییرات سریع اجتماعی، تحولات سیاسی و تاریخی، و برخورد با مفاهیم مدرنیته و سنت، به‌ویژه برجسته شده است. شمس لنگرودی با استفاده از استعاره‌های خاص و نشانه‌های نمادین، این بحران‌های هویتی را در شعرهای خود بازنمایی می‌کند. او از طریق زبان استعاری و نشانه‌شناختی، تجربه‌های پیچیده و چندگانه‌ای را بازتاب می‌دهد که مربوط به هویت اجتماعی و فرهنگی جامعه معاصر ایران است. در این میان، استعاره‌های اجتماعی و تاریخی، به‌عنوان ابزارهایی برای بیان این تجربیات به کار گرفته می‌شوند. به‌ویژه در شعر او، استعاره‌های

تاریخی به گذشته‌هایی اشاره دارند که همچنان بر هویت جامعه تاثیرگذار هستند و این گذشته در لایه‌های پنهان شعر او حضور دارد و از طریق نشانه‌ها به سطح می‌آید (5).

نقش استعاره‌ها در بازنمایی بحران‌های هویتی از جنبه‌های مهم و کاربردی نشانه‌شناسی در ادبیات محسوب می‌شود. در شعر شمس لنگرودی، استعاره‌ها به‌طور مکرر به مفاهیم جمعی و تاریخی اشاره می‌کنند و این امر به ما کمک می‌کند تا بحران‌های هویتی را که در لایه‌های زیرین شعر او قرار دارد، کشف کنیم. این استعاره‌ها به‌طور غیرمستقیم و با زبانی پیچیده، احساسات سرکوب‌شده، تجربه‌های ناخوشایند و چالش‌های فرهنگی را که در مواجهه با تغییرات اجتماعی و تاریخی به وجود آمده‌اند، به تصویر می‌کشند. از منظر نشانه‌شناسی، استعاره‌ها و نشانه‌ها در شعر لنگرودی به عنوان ابزارهایی برای به تصویر کشیدن بحران‌های هویتی عمل می‌کنند که به‌نوعی ناشی از تضادهای میان سنت و مدرنیته، تاریخ و فرهنگ، و فردیت و جامعه هستند (6).

یکی از رویکردهای مهم در نشانه‌شناسی که در تحلیل شعر لنگرودی نیز کاربرد دارد، مفهوم «بینامتنیت» و «معناسازی از طریق متن‌های دیگر» است که توسط بارت و سایر نظریه‌پردازان پساساختاری مطرح شده است. در این رویکرد، نشانه‌ها به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که به دلالت‌های قبلی و دیگر متن‌ها ارجاع می‌دهند و به‌این ترتیب، معناهای جدیدی تولید می‌شود. در شعر شمس لنگرودی، بسیاری از نشانه‌ها و استعاره‌ها به متون و تجربیات فرهنگی و تاریخی گذشته ارجاع دارند و از طریق این ارجاعات، بحران‌های هویتی در زمان حال بازنمایی می‌شوند. این بینامتنیت در شعر او باعث می‌شود که معنای شعر به شکلی چندلایه و پیچیده شکل بگیرد و مخاطب با کاوش در این لایه‌ها، به درک عمیق‌تری از هویت و بحران‌های آن دست یابد (3).

از این منظر، چارچوب نظری پژوهش حاضر، نشانه‌شناسی را نه تنها به عنوان ابزاری برای تحلیل متون بلکه به عنوان روشی برای

کشف بحران‌های هویتی و لایه‌های پنهان معنایی به‌کار می‌گیرد. به‌طور کلی، چارچوب نظری این تحقیق بر اساس نظریات بارت، پیرس و لاکان و رویکردهای پساساختاریستی شکل گرفته است تا بتواند با توجه به استعاره‌های اجتماعی و تاریخی، به بازنمایی بحران‌های هویتی و چالش‌های فرهنگی و تاریخی جامعه معاصر ایران در شعر شمس لنگرودی بپردازد.

### تحلیل و بررسی

تحلیل نشانه‌شناختی اشعار شمس لنگرودی در بستر استعاره‌ها و نمادهای اجتماعی و تاریخی، رویکردی است که به کشف معانی پنهان و چندلایه در اشعار او کمک شایانی می‌کند. شمس لنگرودی به‌عنوان شاعری با نگاهی اجتماعی و تاریخی، از استعاره‌ها و نشانه‌هایی بهره می‌گیرد که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به بحران‌های هویتی فردی و جمعی اشاره دارند. این بحران‌های هویتی غالباً از تجربیات جامعه‌ای برمی‌خیزند که در معرض تغییرات ناگهانی، تضادهای فرهنگی و گذر از سنت به مدرنیته قرار گرفته است. در این چارچوب، نمادهای اجتماعی نظیر «خانه»، «خاک»، «آسمان» و حتی نشانه‌های ملموس تاریخی همچون «شمشیر» و «خاکستر» نمایانگر شرایط و وضعیت‌های بحرانی در زندگی فردی و جمعی انسان ایرانی هستند که لنگرودی آن‌ها را به‌عنوان بخشی از جهان‌بینی شاعرانه‌اش به کار می‌برد (5). یکی از استعاره‌های برجسته‌ای که در اشعار لنگرودی مشاهده می‌شود، استعاره «خاک» است که در فرهنگ و ادب فارسی، مفاهیم متعددی از جمله وطن، پیوند با تاریخ و حتی مفهوم مرگ و فناپذیری را به ذهن متبادر می‌کند. لنگرودی از این نماد به شیوه‌ای خاص بهره می‌برد و با نگاهی تلخ و گاه نوستالژیک، مفهوم وطن و خاک را با دلالت‌های اجتماعی و فرهنگی در هم می‌آمیزد. او از «خاک» به‌عنوان نمادی برای بیان بحران‌های هویتی و تعارض‌های درونی جامعه ایرانی استفاده می‌کند، جامعه‌ای که به‌طور مداوم با مفاهیمی چون غربت، دوری از ارزش‌های اصیل و بحران‌های

اجتماعی و فرهنگی دست‌وپنجه نرم می‌کند. از این طریق، «خاک» در اشعار او نه تنها بیانگر وطن بلکه نشانه‌ای از هویتی گمشده است که در میان آشفتگی‌های فرهنگی و تاریخی به فراموشی سپرده شده است (2).

در ادامه، مفهوم «خانه» نیز به‌عنوان نمادی دیگر در اشعار لنگرودی مطرح می‌شود که نشان‌دهنده تلاش انسان برای یافتن امنیت و آرامش در جهانی آشفته است. با این حال، در اشعار لنگرودی، «خانه» نیز با دلالت‌های متناقض و گاه غم‌انگیز همراه است. او «خانه» را به‌عنوان جایی که باید پناهگاهی امن باشد، با مفاهیمی چون بی‌پناهی، عدم آرامش و گم‌گشتگی در هم می‌آمیزد. در واقع، این خانه به‌جای آنکه نقطه‌ای برای هویت‌یابی و بازگشت به خویشتن باشد، تبدیل به نمادی از بحران هویتی می‌شود. شعر او نشان می‌دهد که «خانه» در جهانی که هویت و فرهنگ فردی و جمعی به‌طور مداوم مورد تهدید و تضعیف قرار می‌گیرد، معنای خود را از دست می‌دهد و به‌نوعی بازتابی از احساس ناامنی در جهان مدرن و گذار فرهنگی جامعه است (1).

از سوی دیگر، نشانه‌های تاریخی و اسطوره‌ای مانند «شمشیر» در اشعار شمس لنگرودی به‌عنوان نمادی از جنگ‌ها، خون‌ریزی‌ها و حتی مبارزات طولانی‌مدت برای بقا در فرهنگ ایرانی دیده می‌شود. این نشانه در اشعار او به‌گونه‌ای به کار می‌رود که هم یادآور گذشتگان و اسطوره‌هاست و هم یادآور شرایط پرتنش اجتماعی و سیاسی حال حاضر. «شمشیر» در شعر لنگرودی با نوعی حس نوستالژیک و در عین حال با نقدی تند به دوران حاضر به کار گرفته می‌شود و نشان‌دهنده ناامیدی او از مسیری است که در تاریخ پیموده شده است. این نماد با بحران‌های هویتی و اجتماعی پیوند خورده است و به مخاطب نشان می‌دهد که چگونه این بحران‌ها از دل تاریخ به امروز منتقل شده و همواره بر سرنوشت و هویت جامعه سایه افکنده‌اند (4).

استعاره «آسمان» نیز در اشعار لنگرودی به‌شدت نمادین است و نمایانگر ارتباط انسان با مفاهیمی همچون آزادی، آرزوها و امیدهای ناپایدار است. اما این آسمان در اشعار او نه تنها مکانی برای اوج‌گیری بلکه به‌نوعی محدودکننده و بی‌ثمر است، به‌ویژه زمانی که در کنار مفاهیم هویتی و اجتماعی قرار می‌گیرد. آسمان لنگرودی، آسمانی پر از تناقض است؛ در آن، هم امید وجود دارد و هم سرخوردگی. این آسمان به‌عنوان نمادی از آرزوهایی است که با محدودیت‌های اجتماعی و بحران‌های هویتی ناتمام باقی مانده‌اند. این استعاره بیانگر انسانی است که در تلاش است به‌آرمان‌های والای خود برسد، اما به دلیل وجود موانع متعدد در محیط اجتماعی، تاریخی و فرهنگی، همواره به‌نوعی حس شکست دچار می‌شود (6).

علاوه بر این، لنگرودی از استعاره‌هایی استفاده می‌کند که مفهوم هویت فردی و اجتماعی را به چالش می‌کشد و بحران‌های ناشی از تناقض‌های فرهنگی و اجتماعی را نشان می‌دهد. او در آثار خود به‌گونه‌ای از استعاره‌ها بهره می‌گیرد که بحران‌های هویتی را در مواجهه با تغییرات جهانی و اجتماعی برجسته می‌سازد. این بحران‌ها به‌ویژه در موقعیت‌هایی به‌چشم می‌خورد که شخصیت‌های اشعارش در تقابل با ارزش‌های اجتماعی یا فرهنگی قرار می‌گیرند. به‌طور مثال، در شعر او مفهوم «خاکستر» به‌عنوان نمادی از گذشته‌ای است که نابود شده، اما همچنان اثرات آن بر حال و آینده باقی مانده است. «خاکستر» در اشعار او نشانه‌ای از نابودی هویت فردی و اجتماعی است که در سایه بحران‌های بی‌درپی تاریخی و اجتماعی به جای مانده و به مخاطب نشان می‌دهد که هویت کنونی تنها بازتابی از چیزی است که از دست رفته است (3).

در نهایت، تحلیل استعاره‌های اجتماعی و تاریخی در اشعار شمس لنگرودی به ما نشان می‌دهد که او به‌عنوان شاعری با نگرش انتقادی نسبت به جامعه، از استعاره‌ها به‌عنوان ابزاری برای به



چالش کشیدن واقعیت‌های اجتماعی و بازنمایی بحران‌های هویتی بهره می‌برد. او با استفاده از این نمادها و استعاره‌ها به‌طور خلاقانه، مفاهیمی پیچیده و گاه دردناک را به تصویر می‌کشد که نه تنها تجربه‌های فردی بلکه تجربه‌های جمعی و مشترک جامعه ایرانی را بازتاب می‌دهد. لنگرودی با نگاهی فلسفی و عمیق، استعاره‌ها را به ابزاری برای بیان تعارضات و تناقض‌های درونی جامعه تبدیل می‌کند و از این طریق مخاطب را دعوت می‌کند تا به‌واسطه‌ی نشانه‌ها و دلالت‌های آن‌ها، به درک عمیق‌تری از هویت و بحران‌های آن دست یابد.

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شمس لنگرودی با بهره‌گیری از استعاره‌ها و نشانه‌های اجتماعی و تاریخی در اشعار خود به بازنمایی بحران‌های هویتی فردی و جمعی جامعه ایرانی می‌پردازد. او از استعاره‌هایی همچون «خاک»، «خانه»، «شمشیر» و «آسمان» به‌عنوان ابزاری برای به تصویر کشیدن وضعیت‌های بحرانی، گسست‌های فرهنگی و تناقض‌های اجتماعی استفاده کرده و از این طریق، تجربه‌های زیسته و چالش‌های هویتی جامعه معاصر را منعکس می‌کند. این یافته‌ها حاکی از آن است که شمس لنگرودی، به‌عنوان شاعری با نگرش فلسفی و اجتماعی، با استفاده از این استعاره‌ها به نحوی توانسته است مسائل و بحران‌های مربوط به هویت را که ناشی از تغییرات سریع اجتماعی و تحولات تاریخی است، به زبان شاعرانه بیان کند. به‌عنوان مثال، استعاره «خاک» که نماد پیوند با وطن و تاریخ است، در اشعار او به نشانه‌ای از هویت گمشده تبدیل شده است؛ این مفهوم با اشاره به شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی و دگرگونی‌های ناشی از آن، عمق بحران هویتی را درک‌پذیرتر می‌کند (2).

از سوی دیگر، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نشانه‌شناسی و تحلیل استعاره‌های اجتماعی و تاریخی به‌عنوان رویکردی موثر در کشف لایه‌های معنایی پنهان در شعر لنگرودی عمل می‌کند. یافته‌ها

حاکی از آن است که لنگرودی از استعاره‌های تاریخی، مانند «شمشیر»، برای بازنمایی چالش‌ها و بحران‌هایی استفاده می‌کند که همواره بر تاریخ و فرهنگ جامعه ایرانی تأثیرگذار بوده‌اند. «شمشیر» در شعر او به نشانه‌ای از گذشته‌های پرفراز و نشیب و مبارزات اجتماعی و سیاسی تبدیل شده است که همواره در سایه تاریخ معاصر جامعه به چشم می‌خورد. این امر نشان می‌دهد که بحران‌های هویتی در اشعار لنگرودی تنها به معضلات فردی محدود نیستند، بلکه برآمده از تجربه‌های تاریخی و اجتماعی هستند که در طول زمان به شکل بحران‌های هویتی و فرهنگی ظاهر شده‌اند. مقایسه این یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که استفاده از استعاره‌های تاریخی و اجتماعی در شعر معاصر فارسی همچنان به‌عنوان ابزاری موثر برای بیان بحران‌های هویتی به کار می‌رود (6).

در مقایسه با پژوهش‌های پیشین، یافته‌های این پژوهش به‌طور مشخص به کاربرد استعاره‌های چندوجهی و دلالت‌های نمادین اشاره دارند که لنگرودی از آن‌ها برای بیان تضادها و بحران‌های درونی جامعه استفاده می‌کند. پژوهش‌های پیشین نیز تا حد زیادی به بررسی کاربرد استعاره‌ها و نشانه‌ها در ادبیات فارسی پرداخته‌اند، اما این پژوهش با تمرکز بر شعر شمس لنگرودی و تحلیل دقیق‌تر دلالت‌های نشانه‌ای او، به درکی عمیق‌تر از مفاهیم اجتماعی و هویتی رسیده است. برای نمونه، پژوهش‌های فیاض‌منش و همکاران (۲۰۱۹) به نقش نشانه‌ها و استعاره‌های اجتماعی در بیان مفاهیم عاطفی اشاره داشته‌اند، اما نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که لنگرودی فراتر از این کاربردها، از استعاره‌ها به‌عنوان ابزاری برای به چالش کشیدن شرایط و بحران‌های اجتماعی بهره می‌گیرد. این امر بیانگر نقش گسترده و چندلایه‌ای نشانه‌ها و استعاره‌ها در شعر او و عمق تأثیرگذاری آن‌ها در بازنمایی بحران‌های هویتی است (1).



پژوهش‌های آتی به تحلیل نشانه‌های روان‌شناختی و فردی در کنار نشانه‌های اجتماعی بپردازند، زیرا این نشانه‌ها می‌توانند ابعاد درونی و فردی بحران‌های هویتی را روشن‌تر کنند و زمینه‌ای برای مطالعه‌ی جامع‌تر این بحران‌ها فراهم کنند (5).

در مجموع، این پژوهش نشان می‌دهد که شمس لنگرودی با استفاده از زبان نشانه‌شناختی و به‌ویژه استعاره‌های اجتماعی و تاریخی، موفق به بازنمایی بحران‌های هویتی در جامعه معاصر ایران شده است. شعر او به‌عنوان یک بستر زبانی غنی، از نشانه‌ها به‌عنوان ابزارهایی برای به چالش کشیدن وضعیت اجتماعی و فرهنگی استفاده کرده و به نوعی به مخاطب نشان می‌دهد که چگونه تغییرات اجتماعی و تاریخی می‌توانند به بحران‌های عمیق هویتی منجر شوند. یافته‌های این پژوهش به‌ویژه با تأکید بر کاربرد نمادها و استعاره‌های اجتماعی، نشان می‌دهد که شمس لنگرودی به‌طور هوشمندانه‌ای از این ابزارها برای به تصویر کشیدن تضادهای درونی جامعه و گسست‌های فرهنگی بهره برده است، و از این طریق، شعر او به‌عنوان سندی از تحولات اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌آید.

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

یکی از نکات قابل توجه در نتایج این پژوهش، شیوه‌ای است که شمس لنگرودی در استفاده از استعاره «آسمان» به کار می‌برد. این استعاره در اشعار او نه‌تنها نشانگر آزادی و امید است، بلکه محدودیت‌ها و سرخورده‌گی‌ها را نیز به تصویر می‌کشد. تحلیل نشانه‌شناختی این مفهوم نشان می‌دهد که لنگرودی از «آسمان» به‌عنوان نماینده‌ای از آرزوهای ناپایدار و محدودیت‌های اجتماعی استفاده کرده و از طریق این استعاره، تضادهای درونی جامعه و ناتوانی در رسیدن به آرمان‌های مطلوب را بیان کرده است. این یافته‌ها بیانگر این نکته‌اند که در شعر لنگرودی، بحران‌های هویتی تنها به مشکلات اجتماعی یا سیاسی محدود نیستند، بلکه به نحوی با محدودیت‌ها و ناتوانی‌های فرهنگی و روان‌شناختی نیز گره خورده‌اند (4).

پیشنهادات این پژوهش برای مطالعات آتی بر این مبنا قرار دارند که تحلیل دقیق‌تر و جامع‌تری از استعاره‌ها و نشانه‌های به کار رفته در شعر شمس لنگرودی ارائه دهند. از آنجا که یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نشانه‌شناسی و تحلیل استعاره‌ها ابزاری کارآمد برای فهم بحران‌های هویتی در ادبیات معاصر فارسی هستند، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی، به‌ویژه در آثار سایر شاعران معاصر، از این رویکرد استفاده شود. این امر می‌تواند به فهم عمیق‌تری از بحران‌های هویتی و فرهنگی در جامعه معاصر ایران منجر شود و ابعاد مختلف این بحران‌ها را از طریق ادبیات و نشانه‌های فرهنگی آشکار سازد. همچنین، توصیه می‌شود که shifts and historical narratives, revealing a complex interplay between individual and collective identity in the face of social and cultural changes. Langroudi uses symbols and metaphors such as “soil,” “home,” “sword,” and “sky” to delve into themes of belonging, memory, and nostalgia. These elements serve as conduits for expressing both individual identity struggles and collective dissonance,

## EXTENDED ABSTRACT

The poetry of Shams Langroudi provides a compelling exploration of the identity crises experienced within Iranian society, particularly through his use of semiotic structures and metaphorical language. His work reflects not only personal experiences but also societal

resonating deeply with readers who have themselves experienced the socio-political tensions in Iran. By using semiotic frameworks to analyze Langroudi's poetry, this research offers insights into the ways that language, symbols, and cultural references can encapsulate multifaceted identity crises (2).

Central to this analysis is the semiotic theory as developed by key thinkers such as Roland Barthes, Charles Peirce, and Jacques Lacan, whose frameworks illuminate how meaning is constructed, sustained, and interpreted within cultural texts. Barthes' dual-layer concept of signification, which delineates between denotative (literal) and connotative (implicit) meanings, is instrumental in understanding Langroudi's layered metaphors. This notion is evident in the metaphor of "soil" in Langroudi's work, which operates simultaneously on a denotative level, symbolizing the earth and homeland, and a connotative level, where it reflects identity, roots, and the loss of tradition. Soil, in this regard, serves as a "lost identity," evoking a nostalgic and bittersweet connection to a homeland marked by change and upheaval (5). Additionally, Peirce's triadic model of semiotics — consisting of the sign, the object, and the interpretant — is useful in deconstructing Langroudi's "home" metaphor. Home, traditionally seen as a place of refuge and familiarity, in Langroudi's work becomes a contested space, representing instability and an ongoing search for identity amid socio-political chaos (4). Lacan's psychoanalytic approach further extends this semiotic

analysis by focusing on the subconscious elements of identity and how individuals relate to symbols as expressions of desire, loss, and social expectations.

The application of these semiotic models to Langroudi's poetry reveals a deeply embedded cultural commentary on Iranian identity, drawing parallels between individual psychological struggles and broader social dissonance. Through a Lacanian lens, for example, the symbol of the "sword" functions as a dual signifier of both historical conflict and the tension between past heroism and present disillusionment (6). Langroudi's use of the sword symbolizes a cultural memory laden with glory yet shadowed by sorrow, a device that enables a multi-layered commentary on the Iranian experience. This aligns with Lacan's notion of the "Real" — an elusive realm that disrupts personal identity through unresolved or unattainable ideals. Here, Langroudi evokes both national pride and a disillusionment with contemporary society, capturing the lingering effects of historical struggles on present-day identity formation. For Lacan, this interaction with symbols reflects an unresolved desire, highlighting the discrepancy between cultural aspirations and social reality in Langroudi's work (1).

Moreover, this study situates Langroudi's poetry within the broader context of post-structuralism, a framework emphasizing the instability of meaning and the interpretive freedom of language, as posited by Barthes and further developed in the semiotic analysis

of postmodern texts. Langroudi's metaphors are in line with this perspective, particularly his "sky" symbol, which simultaneously denotes boundless freedom and suppressed aspirations within a repressive socio-political environment. In Langroudi's poetry, the sky is no longer an open space for limitless possibilities; rather, it becomes a ceiling that contains dreams and desires, capturing the tensions between ambition and restriction inherent in the experience of living in a controlled society (6). This is illustrative of Barthes' belief in the polysemy of language, where words and images can convey multiple, often contradictory, meanings, allowing readers to find personal and collective resonance within the text. Langroudi's work, in this way, exemplifies post-structuralist ideas about language as a dynamic and fluid medium, capable of shaping and reshaping identity in response to changing cultural and historical circumstances.

Comparing these findings with previous studies on Persian literature and semiotic analysis underscores the unique depth that Langroudi brings to his representations of identity crises. Earlier studies by Fayazmanesh et al. (2019) have noted the presence of symbolic language in Iranian poetry as a tool for expressing collective memory and trauma, yet Langroudi's work extends beyond this to highlight the complex intersections of individual and societal identity formation. Unlike some other Persian poets who focus primarily on personal themes,

Langroudi weaves in historical and social layers, positioning himself as both a chronicler and a critic of Iranian identity. Through a meticulous examination of symbols and metaphors, this research finds that Langroudi's poetry not only mirrors but also critiques societal structures, engaging with them in a way that prompts reflection and reevaluation among readers (1).

Future research on Langroudi's work and contemporary Persian literature could benefit from deeper explorations into the psychological dimensions of identity, particularly how individual and collective identities interact in contexts of socio-political tension. While this study has focused on the socio-cultural implications of semiotic elements in Langroudi's poetry, further analysis could delve into the personal and emotional responses that these symbols evoke within readers, shedding light on the role of poetry in shaping and reinforcing identity. Additionally, investigating the use of similar semiotic devices among other Iranian poets would provide valuable insights into broader trends and variations within Persian literature, highlighting how language and symbolism serve as a cultural repository of shared identity and memory. Through the continued application of semiotic theory, Persian poetry can be better understood as a medium that both reflects and molds the collective psyche, capturing the ongoing dialogue between the self and society across temporal and cultural divides.

## References

1. Fayazmanesh P, Safaei Sangari A, Cheraghi R. Semiotic analysis of rhetorical signs in the love poems of Shams Langroudi. [Journal Name]. 2019.
2. Baqi Nejad A. Postmodernism in the poetry of Shams Langroudi. Persian Language and Literature (formerly the Journal of the Faculty of Literature, University of Tabriz). 2021;74(243):47-67.
3. Gorji M, Hosseini Manesh M. Analysis of the concept of city and urban life in the poetry of Mohammad Shams Langroudi (with emphasis on the development of metropolitan areas). [Journal Name]. 2019.
4. Khajat A. Comparative analysis of a poem by Ali Babachahi and Shams Langroudi based on Gilles Deleuze's rhizomatic theory. Quarterly of Critique, Analysis, and Aesthetics of Texts. 2021;4(4):4-24.
5. Safaei M, Alizadeh J. The irony of death and its manifestations in the poetry of Shams Langroudi. Biannual of Persian Language and Literature, University of Kharazmi. 2018;25(83):145-69.
6. Radmanesh A, Izadi MA. The beloved in contemporary literature, with emphasis on the poetry of Shams Langroudi. Studies in Lyric Language and Literature. 2014;4(10):7-28.